

زبان عربی

*** عَيِّنِ الْأَنْسَبَ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ أَوْ التَّعْرِيبِ:

۱- «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ!»:

- (۱) همانا این امت شما، امتی واحد بودند، و من خدایان، پس مرا بپرستند!
- (۲) بی تردید این ملت شما است، ملت یکتا و این منم پروردگارتان؛ مرا عبادت کنید!
- (۳) این امت شما، یک امت می باشد و من خدای شما هستم، پس مرا عبادت کنید!
- (۴) این امت شماست؛ امتی یگانه و من پروردگار شما هستم، پس مرا بپرستید!

۲- «المرافق العامة هي أماكن تملكها الدولة و الناس جميعهم يستفيدون منها و ينتفعون بها!»:

- (۱) اماکن عام، تنها مکانی است که از آن حکومت است، و همه مردم از آن استفاده می کنند و به آن ها فایده می رساند!
- (۲) تأسیسات عمومی، همان اماکنی است که دولت مالک آن می باشد، و مردم همگی از آن ها استفاده می کردند و سود بردند!
- (۳) تأسیسات عمومی، همان مکان هایی است که صاحب آن ها دولت است و مردم از همه آن ها استفاده می کنند و سود می جویند!
- (۴) تأسیسات عمومی همان اماکنی است که دولت مالک آن هاست، و مردم همگی شان از آن ها استفاده می کنند و نفع می برند!

۳- «لَا عَبْدٌ أَظْلَمُ مِمَّنْ يَرَى أَخِيهِ وَقَعَ فِي مُشْكِلَةٍ لَكِنَّهُ لَا يَسَاعِدُهُ!»:

- (۱) بنده ستمکار آن است که برادر شما را در مشکلی گرفتار ببیند، اما به او هیچ کمکی نکند!
- (۲) هیچ بنده ای ستمکار نیست مگر آن که می بیند که برادر خود در یک مشکل افتاده، ولی به او یاری نمی رساند!
- (۳) هیچ بنده ای ستمگرتر از کسی نیست که برادرش را می بیند در مشکلی افتاده، اما او را کمک نمی کند!
- (۴) هیچ بنده ای ظالم تر از آن نیست که برادر خود را در مشکلی اسیر می بیند و قطعاً به او یاری نخواهد رساند!

۴- «عندما شاهد الناس الظَّاهِرَةَ الَّتِي تَسْحَبُ الْأَسْمَاكَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ تَحِيرُوا كَثِيرًا!»:

- (۱) وقتی مردم پدیده ای را دیدند که ماهی ها از آسمان به سوی زمین کشیده می شدند، بسیار حیرت زده شدند!
- (۲) مردم، زمانی که پدیده ای را دیدند، که ماهیان را از آسمان به سوی زمین می کشید، بسیار متحیر شدند!
- (۳) بسیاری از مردم، با دیدن پدیده ای که ماهی ها در آن از آسمان به زمین کشیده می شدند، حیرت زده شدند!
- (۴) مردم، بسیار حیرت زده شدند، وقتی پدیده ای را مشاهده کردند، که ماهیان از آسمان به سوی زمین کشانده می شدند!

۵- «لَعَلَّ الْإِنْسَانَ يَتَعَرَّفَ عَلَى حَقِيقَةِ حَيَاتِهِ حَتَّى يَعْيشَ أَفْضَلَ!»:

- (۱) امید است انسان شناختی بر حقیقت زندگی پیدا کند تا زندگی خوبی داشته باشد!
- (۲) ای کاش آدمی بر واقعیت حیات خود شناخت می یافت تا بهتر زندگی کند!
- (۳) چه بسا، آدمی بر حقیقت زندگی اش آگاهی یابد تا این که زندگی را بهتر کند!
- (۴) شاید انسان به حقیقت زندگی اش شناخت یابد تا بهتر زندگی کند!

۶- عَيِّنِ الصَّحِيحَ:

- (۱) زمیلاي تكلما في الصف ففضب المعلم فأخرجهما: همكلاسي هائم با هم در كلاس صحبت كردند، پس معلم ناراحت شد و آن ها اخراج شدند!
- (۲) اجتمع الناس لمشاهدة الظَّاهِرَةَ الَّتِي حَيَّرْتَهُمْ: مردم برای دیدن پدیده ای که با آن حیرت زده شده بودند، جمع شدند!
- (۳) لاحظوا هل تشاهدون تساقطَ الْأَسْمَاكَ مِنَ السَّمَاءِ! به آسمان نگاه کنید، آیا پی در پی افتادن ماهیان را از آن می بینید!
- (۴) ربَّما نشاهد اليوم أَنَّ السَّمَاءَ تُمَطِّرُ عَلَيْنَا كَثِيرًا: چه بسا امروز ببینیم که آسمان بر ما بسیار باران می باراند!

٧- عَيِّن الخطأ:

- (١) أَوْجَدَ خَالِقَنَا السَّمَاوَاتِ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ: خدای ما آسمانها، خورشید و ماه را پدید آورد!
- (٢) وَ خَلَقَ أَمْطَاراً مُنْهَمِرَةً وَ أَنْجَمًا جَمِيلَةً كَالدَّرَةِ: و باران‌هایی ریزان و ستارگانی همچون مروارید، زیبا آفرید!
- (٣) وَ جَعَلَ عُصُونَ الْأَشْجَارِ خَضِرَةً وَ نَضْرَةً: و شاخه‌های درختان را سرسبز و تازه قرار داد!
- (٤) وَ شَقَّ فِي الْإِنْسَانِ الْبَصَرَ لِلنَّظَرِ بِهَا: و در انسان بینایی را شکافت برای نگاه کردن به وسیله آن!

٨- «این عکس‌ها را از آن پدیده ملاحظه کن تا حرف من را باور کنی!»:

- (١) لَاحِظْ إِلَى هَذِهِ صُورَةٍ هَذِهِ الظَّوَاهِرِ لِتُصَدِّقَ كَلَامِي! (٢) أَنْظُرْ إِلَى تِلْكَ الصُّورِ مِنْ هَذِهِ الظَّاهِرَةِ لِتُصَدِّقَ كَلَامِي!
- (٣) شَاهِدِي الصُّورَ مِنْ هَذِهِ الظَّوَاهِرِ لِتُصَدِّقَ كَلَامِي! (٤) لَاحِظْ هَذِهِ الصُّورَ مِنْ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ حَتَّى تُصَدِّقَ كَلَامِي!

*** اِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ بِمَا يَنْاسِبُ النَّصَّ:

السَّلْحَفَةُ الْبَحْرِيَّةُ (لاک پشت دریایی) حیوان تمشی ببطی (کندی) على الأرض ولكنها سريعة و خفيفة الحركة في الماء. تعيش السلاحف البحرية في كل المحيطات في العالم تقريباً، و تبني أعشاشها على الشواطئ الاستوائية و شبه الاستوائية و تنتقل عبر البحار، وغالباً تقطع آلاف الكيلومترات، بين أماكن التغذية و مكان الأعشاش و تتغذى على الأعشاب البحرية. يتم (صورت می‌پذیرد) صيد السلاحف البحرية بصورة غير قانونية للحصول على لحومها و بيضها (تخم‌هایش) و تستخدم صدقاتها (لاک) في صنع المجوهرات التي تُباع (فروخته می‌شود) للسائحين و تهدد التجارة غير قانونية بقاء بعض أعداد السلاحف.

٩- كيف تصف السلاحف حسب النص: عَيِّن الصحيح:

- (١) بطيءة و ذات ذنب طويل! (٢) آكلة الأعشاب و النباتات!
- (٣) سريعة القفز و المشى و السیر! (٤) قوية الساق و آكلة اللحوم!

١٠- الموضوعات التي جاءت في النص على الترتيب هي:

- (١) خصائص السلاحف البحرية و مكان تواجدها و تغذيتها! (٢) شكل السلاحف و أنواعها و محلّ عيشها!
- (٣) غشاء السلاحف و تركيبها و محلّ عيشها! (٤) طعام السلاحف و أنواعها و ألوانها!

١١- عَيِّن الخطأ حسب النص:

- (١) لا نجد المحيطات في أنحاء العالم خالية عن السلاحف البحرية!
- (٢) التجار يحصلون على منافع كثيرة من بيع السلاحف لبائعي الذهب!
- (٣) ليست السلاحف حالياً مصنوعة عن الخطر!
- (٤) رغم بطء حركة السلاحف لكنها تقطع مسافات كثيرة في البحار بحثاً عن الطعام!

*** عَيِّن الخطأ في الإعراب و التحليل الصرفي:

١٢- «البحرية - سريعة - تعيش - العالم»:

- (١) البحرية: اسم - مفرد مؤنث - معرب / صفة للموصوف «السلاحف»
- (٢) سريعة: اسم - مفرد مؤنث - على وزن «فَعِيلَة» و حروفه الأصلية «س ر ع» / فاعل و مرفوع
- (٣) تعيش: للمفرد المؤنث الغائب - مجرد ثلاثي - لازم / مع فاعله جملة فعلية
- (٤) العالم: اسم - مفرد مذکر - معرب / مجرور بحرف الجرّ «في»

١٣- «تنتقل - أماكن - تستخدم - تهدد»:

- (١) تنتقل: مضارع - للمفرد المؤنث الغائب - مزيد ثلاثي - معلوم / فعل و جملة فعلية
- (٢) أماكن: اسم - جمع تكسير أو مكسر و مفردة مكان - معرب / مضاف إليه و مجرور
- (٣) تستخدم: ماضيه «استخدمت» - له حرفان زائدان - من باب افتعال / فعل و الجملة فعلية
- (٤) تهدد: من الأفعال المضارعة - مزيد ثلاثي بزيادة حرف واحد - متعد / فعل و مفعوله «بقاء»

** عَيِّنِ المناسب للجواب عن الأسئلة التالية:

١٤- عَيِّنِ الخطأ في ضبط حركات الحروف:

- (١) رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ
(٣) كَانَ السَّمَاءُ تُمْطِرُ أَسْمَاكَ كَثِيرَةً
(٢) لَا تُجْتَمِعْ خَصَلَتَانِ فِي مُؤْمِنٍ الْبُخْلُ وَالْكَذِبُ
(٤) لَا تُطْعِمُوا الْمَسَاكِينَ مِمَّا لَا تَأْكُلُونَ!

١٥- عَيِّنِ المناسب عن المفهوم: «كَأَنَّ إِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُدْرِكُ!»

- (١) دلا خو کن به تنهایی که از تنها بلا خیزد / سعادت آن کسی دارد که از تنها بهره‌یزد
(٢) این چه عیب است که آن عیب خلل خواهد بود / ور بود نیز چه شد مردم بی عیب کجاست
(٣) خاطری چند اگر از تو شود شاد، بس است / زندگانی به مراد همه کس نتوان کرد
(٤) مردمی کرد و کرم لطف خدا داد به من / کان بت ماه رخ از راه وفا باز آمد

١٦- عَيِّنِ جواباً فيه رفع الإبهام عما جاء قبله:

- (١) ليتني كنت تعلمت منك الإنجليزية!
(٣) فهمت أن الناس لا يتغيرون إلّا بإرادتهم!
(٢) لا أرجع معك لأنّي أريد أن أمشي قليلاً
(٤) انطلقتُ بسرعةٍ لكنّي توقفتُ بسبب مشكيلةٍ!

١٧- عَيِّنِ ما نرجو وقوعه:

- (١) عسى أن تحبوا شيئاً و هو شرٌّ لكم!
(٣) لعلّ الجاهل يعود إلى ربنا العزيز!
(٢) إنّ الله أعلم بكلّ ما نكتمه في الحياة!
(٤) الطفل ذاهبٌ إلى الحيوانات كأنه لا يخاف أبداً!

١٨- عَيِّنِ ما ليس فيه من الحروف المشبهة بالفعل:

- (١) لعلّ صديقي ينجح في امتحانه العلمي!
(٣) لماذا لا يسمعون كلامي كأنهم لا يروني!
(٢) على الحاكم أن لا يكون ظالماً أمام شعبه!
(٤) إنّ الحكومة لا تهتمّ بتصليح المرافق العامة!

١٩- عَيِّنِ الصحيح في تعيين نوع «لا»:

- (١) لا مكان للذي يسخر من الآخرين: نافية للجنس
(٣) أيّها الزملاء لا تتركوا الدراسة: نافية
(٢) لا أنطق ممّا يحدث لي المشاكل: ناهية
(٤) ما اشتريت من السوق كتاباً و لا قلماً: نافية للجنس

٢٠- عَيِّنِ حرف النّون من الحروف الزائدة للفعل:

- (١) انتشر خبر نجاح اللاعب المُمْتَاز في المُسابقات الرِّياضيّة!
(٣) ينتفعُ كلّ موجودات هذا العالم بحرارة الشَّمْسِ المُستعرة!
(٢) انقطعتُ أشجار غاباتنا المخضرة بسببِ غفلتنا عن الطّبيعة!
(٤) كانَ حامدٌ يَنتظرُ صديقَه الوَفَى للذهابِ إلى ملعبِ آزادي!